Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 5/ No. 2/ Summer 2018
Page: 43-52

The Effectiveness of the education of the components of choice theory on Reducing Parent-Child Conflict of Girl Students

Hossein Panahi, Nasrin[1], Goodarzi, Mahmoud[2]

1. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Family Counseling, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author)

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

Abstract

Introduction: Choice theory focuses on the relationships between parents and children and the conflicts between them, and it is a consequence of the growth of the reality of treatment.

Aim: The purpose of this study was to determine the effectiveness of the education of the components of choice theory on reducing parent-child conflict in secondary school students.

Methods: The present study was a semi-experimental study with a pre and posttest with control group. The statistical population of this study consisted of secondary school female students of region 1 of Sanandaj city in the academic year of 2017-2018. Samples of this study were randomly assigned to experimental and control groups. The data were collected using a parent-child conflict questionnaire and ANOVA was used to analyze the findings.

Results: The results showed that the training of choice theory significantly increased the reasoning and decreased effective aggression ($P<0.05$). But there is no significant effect on the reduction of violence ($P <0.05$).

Conclusion: Based on the findings of this research, the results of this research can be used in psychiatric and counseling centers to promote and improve the communication between parents and children.

Keywords: Choice theory, Parent-child conflict, Students

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷
صفحات: ۵۲-۴۳

اثربخشی آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب بر کاهش تعارض والد–فرزندی دانش‌آموزان دختر

نسرین حسین‌پناهی[۱]، **محمود گودرزی**[۲]

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
۲. استادیار ، گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه: نظریه انتخاب بر روابط والدین و فرزندان و تعارض‌های مابین آن‌ها تأکید ویژه‌ای دارد و از رشد واقعیت درمانی ناشی شده است.

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب بر کاهش تعارضات والد- فرزندی دختران مقطع متوسطه بود.

روش: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه ناحیه ۱ شهر سنندج در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ تشکیل می‌دادند. نمونه-هایی این تحقیق به روش در دسترس در دو گروه تجربی و کنترل به‌صورت تصادفی گمارده شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه تعارضات والد- فرزندی و برای تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد آموزش نظریه انتخاب به‌طور معناداری برافزایش استدلال و کاهش پرخاشگری اثربخش است ($P<۰/۰۵$)؛ اما اثر معناداری بر کاهش خشونت ندارد ($P>۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج این تحقیق می‌تواند در مراکز روان‌شناسی و مشاوره برای ارتقاء و بهبود ارتباط والدین و فرزندان مورداستفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: نظریه انتخاب، تعارضات والد- فرزندی، دانش آموزان

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

مقدمه

نوجوانی یکی از مراحل مهم تحول انسان به شمار می‌آید که با عوامل تنیدگی‌زای فراوانی همراه است. این دوره معرف تغییر عمیقی است که کودک را از بزرگ‌سالان جدا ساخته و دگرگونی‌های مختلفی را در او به وجود می‌آورد (برغندان، ترخان و قائمی، ۱۳۹۱). در این دوره فرد، استقلال‌طلبی، احساس‌های متعارض و متضاد نسبت به گذشته و آینده را همراه با بیداری سائق‌های جنسی و رشد سریع بدن تجربه می‌کند، در چنین شرایطی نوجوانان شدیداً احساس بی‌ثباتی و گم‌گشتگی می‌کنند که برای آن‌ها بسیار تنش‌زا و اضطراب‌آور است (گروئر[1]، ۱۹۹۲). در مقابل این طیف وسیع از تغییرات و دگرگونی‌ها، کسب راهکارهای مناسب سازگاری برای نوجوانان بسیار حائز اهمیت است که کمبود در این زمینه پیامدهای زیان باری از جمله نابهنجاری‌ها، احساس ناامنی، مشکلات شخصیتی، عاطفی، اختلالات رفتاری و بزهکاری را به دنبال دارد (اوسیکاوا و همکاران[2]، ۲۰۱۴). یکی از عوامل خانوادگی که روان‌شناسان در شکل‌گیری مشکلات رفتاری نوجوانان به آن اهمیت می‌دهند، تعارض والدین با نوجوانان است (قمری، ۱۳۹۳).

تعارض عبارت است از عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری نظرات و اهداف و رفتاری که در جهت مخالف دیگری صورت گیرد و همین‌طور ستیزه‌ای بین افراد در اثر منافع ناهم‌سو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف است (صمدی، ۱۳۸۸). افراد عمدتاً تعارض را زمانی تجربه می‌کنند که نیازها، غرایز و امیال آن‌ها برآورده نمی‌شود (کرآلپ، دیسیورک و بیدوگلو[3]، ۲۰۰۹). همچنین ارزش‌ها، انتظارات، حقوق منحصربه‌فرد و تجارب متفاوت هر فرد باعث ایجاد تعارض می‌شود (علی، ۲۰۱۰)؛ اما بیشتر تعارض‌هایی که در خانواده بین نوجوانان و والدین به وجود می‌آید ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره و گفتگو بین اعضای خانواده، عدم توافق بر قواعد و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسئله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت‌های شناختی تحریف‌شده، ضعف در توانایی درک دیدگاه دیگران، عدم مهارت کافی در کنترل خشم، ضعف در مهارت‌های تصمیم‌گیری و جرأت‌ورزی است (زراب[4]، ۲۰۱۴). تعارض در خانواده می‌تواند مخرب و یا سازنده باشد. تعارض زمانی مخرب است که منجر به افسردگی در والدین و فرزندان، خشونت و آشفتگی اجتماعی، عزت‌نفس پایین فرزندان و کاهش سازگاری فرزندان در مدرسه می‌شود (علی، ۲۰۱۰). علاوه براین تعارض می‌تواند جنبه مثبت نیز داشته باشد درجایی که به افراد خانواده کمک می‌کند خودشان را بشناسند و آگاهی‌شان را در زمینه ویژگی‌های متفاوت دیگران بالا ببرند و مشکلات ارتباطی در روابط را بشناسند و انرژی و انگیزه خود را در جهت حل آن‌ها تقویت کنند (کرآلپ، دیسیورکو بیدوگلو، ۲۰۰۹). از این‌رو، در خصوص تعارض به‌وجود آمده در بین اعضای خانواده چنانچه راه‌های مقابله‌ای مفیدی به کار گرفته شود به رشد رابطه کمک می‌کند ولی چنانچه طرفین درگیر در تعارض، نحوه برخورد صحیح را ندانند، نه‌تنها تعارض موجود رفع نمی‌شود، بلکه به تداوم رابطه هم آسیب می‌رساند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰؛ ترجمه ثنائی، ۱۳۹۵).

یکی از نظریه‌هایی که بر روابط والدین و فرزندان و تعارض‌های مابین آن‌ها تأکید ویژه‌ای دارد و به‌تازگی در ایران با استقبال زیادی روبرو شده است، نظریه انتخاب ویلیام گلاسر[5] است (حسینی و همکاران، ۲۰۱۷). نظریه انتخاب از رشد واقعیت درمانی ناشی شده است. علت اینکه این نظریه انتخاب نامیده شد این است

[1] Grour
[2] Ociskova et al
[3] Kıralp, Dincyurek & Beidoglu
[4] Zarb
[5] Glasser

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

که گلاسر معتقد است افراد مسئول انتخاب‌هایی هستند که در زندگی خود اتخاذ می‌کنند (شیلینگ‌فورد و ادواردز[۶]، ۲۰۰۸). «نظریه انتخاب» یک تئوری مبتنی بر روان‌شناسی کنترل درونی است که معتقد است گذشته-ها بر زندگی کنونی افراد اثر شگرفی داشته است ولی تعیین‌کننده رفتار کنونی آن‌ها نیست. میزان مسئولیت‌پذیری و به رسمیت شناختن و احترام به واقعیت موجود و شیوه‌ای که برای ارضای نیازهای افراد با توجه به دو عامل پیشین انتخاب می‌شود رفتار کنونی آن‌ها را تعیین می‌کند. آموزش و یادگیری این نظریه به آزادی و اختیار شخصی فرد در تمام جنبه‌های زندگی منتهی می‌شود (گلسر[۷]، ۲۰۱۰).

هدف اصلی نظریه انتخاب کمک به افراد است تا به بهترین نحو نیازهای خود را ارضاء کنند (ماسون و همکاران[۸]، ۲۰۰۹). براین اساس، این تئوری در طی پنجاه سال گذشته در قلمروهای مختلف مورداستفاده و آزمون قرارگرفته و نتایج پرباری درپی داشته است. کاربردهای عملی این نظریه را می‌توان به غیر از قلمروی سلامت روانی به‌طورکلی در چهار قلمرو طبقه‌بندی کرد: مدرسه و روابط معلم و محصل، خانواده و روابط والدین- فرزندان، ازدواج و روابط همسران، محیط کار و روابط کارفرما- کارکنان خواندن و عمل کردن به این تئوری می‌تواند روابط رضایت‌بخش و خشنودکننده‌ای برای همگان به ارمغان آورد و متعاقباً میزان خشنودی و احساس رضایتمندی از زندگی را بالا ببرد (صاحبی و سلطانی‌فر، ۱۳۹۴). در ارتباط با تعارض نظریه انتخاب فرض می‌کند ارتباط ناسالم نتیجه رفتار نامطلوب است. در این نظریه به مراجع رفتار تأکید می‌شود و از سرزنش کردن مراجع خوداری می‌شود (برادلی[۹]، ۲۰۱۴). این نظریه از روش‌های عملگرایانه‌ای مانند آموزش دادن، تأیید، شوخ‌طبعی، مواجهه، پرسیدن، نقش بازی کردن و بازخورد استفاده می‌کند. براین اساس، چارچوب پنداشتی نظریه مذکور را چرخه مشاوره‌ای می‌پندارند که با ایجاد یک محیط مشاوره‌ای کارآمد و به‌کارگیری روش‌های ویژه، منجر به تغییر می‌شود (کوری[۱۰]، ۲۰۱۵).

در زمینه رویکرد نظریه انتخاب؛ کمبود پژوهش‌های عمیق و کنترل‌شده در مورد روش انجام آن بزرگ‌ترین نقطه ضعف این رویکرد بوده است. بیش‌تر مقاله‌ها و مطالبی که درباره نظریه انتخاب نوشته‌شده‌اند به نقل داستان و رمان شبیه است (لیتواک[۱۱]، ۲۰۰۷). در زمینه تعارض والد- فرزندی آقایوسفی و همکاران (۱۳۹۵) مطالعه‌ای را با عنوان اثربخشی رویکرد واقعیت درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب بر تعارض‌های زناشویی و بهزیستی اجتماعی انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که رویکرد واقعیت درمانی، به‌گونه‌ای کارآمدی تعارض‌های زناشویی را در مقایسه با گروه کنترل در زنان کاهش می‌دهد. همچنین ولی زاده و همکاران (۲۰۱۵) مطالعه‌ای را تحت عنوان اثربخشی واقعیت درمانی بر تعارضات والد- فرزندی و پدر- فرزندی و عزت‌نفس نوجوانان انجام دادند. در این پژوهش نیمه تجربی نزدیک به ۳۰ دانش‌آموز کلاس اول و دوم انتخاب شدند. نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل کواریانس نشان داد که نمرات پس‌آزمون تعارض والد – فرزندی (پدر و پسر) در گروه تجربی و در مقایسه با گروه شاهد کاهش‌یافته است ($P<۰/۰۵$). دوبا و همکاران[۱۲] (۲۰۰۹) با ارائه طرح واقعیت درمانی برای حل تعارض‌های خانواده کشف کردند که استفاده از این رویکرد می-تواند منجر به کاهش تعارض گردد. سرانجام ووبولدینگ و ووبولدینگ (۲۰۱۷) با بررسی نظریه انتخاب و واقعیت درمانی در کره به این نتیجه دست

[6] Shillingford, & Edwards
[7] Glasser
[8] Mason et al
[9] Bradley
[10] Corey
[11] Litwack
[12] Duba et al

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

یافتند که نظریه انتخاب می‌تواند تعارضات را کاهش دهد.

با مرور مطالعات انجام‌شده مشخص می‌گردد که تعارض یکی از اختلال‌های مهم در سنین نوجوانی است. براین اساس برای کاهش آن در نوجوانان همواره از رویکردهای مختلفی نظیر شناختی- رفتاری مبتنی بر ذهن آگاهی، حل مسئله و رویکردهای راه‌حل محور و روایت درمانی استفاده‌شده است. آنچه کمتر در این مطالعات دیده می‌شود استفاده از رویکرد نظریه انتخاب برای کاهش تعارض است. این در حالی است که مطالعات انجام‌شده تأیید کرده‌اند که نظریه انتخاب قابلیت کاهش تعارض را در خانواده به‌طور خاص زوجین دارد؛ اما در روابط والد- فرزند چنین گزاره‌ی آزمون و بررسی نشده است و چون ماندگاری تعارض والد- فرزندی می‌تواند روابط خانوادگی را برای اعضاء خانواده با چالش‌های فراوانی همراه کند، لازم است که در این زمینه از رویکرد نظریه انتخاب که به روشن شدن واقعیت‌های چنین اختلالاتی بیشتر توجه می‌کند، استفاده شود. در صورت تأیید یافته‌های این پژوهش نتایج آن می‌تواند در مراکز روان‌شناسی و مشاوره برای ارتقاء و بهبود ارتباط والدین و فرزندان مورداستفاده قرار گیرد.

روش

پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود و جامعه آماری آن را کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه ناحیه ۱ شهر سنندج در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ تشکیل می‌داند. از طریق روش‌نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای چهار مدرسه از این ناحیه برگزیده شد و از طریق اجرای پرسشنامه تعارضات والد- فرزندی موری اشتراوس (۱۹۷۹) تعداد ۴۰ نفر پس از احراز ملاک‌های ورود انتخاب و به طریق واگذاری تصادفی در دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و گواه گمارده شدند. ملاک‌های ورود دانش‌آموزان به گروه نمونه عبارت بود از: ۱) دانش‌آموزان در طور دوره آموزشی، هم‌زمان تحت برنامه آموزشی دیگری قرار نداشته باشند. ۲) اختلال روان‌شناختی یا بیماری جسمانی خاصی نداشته باشند ۳) نمره به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های تعارض والد- فرزندی آن‌ها پایین‌تر از حد میانگین باشد. ۴) اعلام موافقت و همکاری دانش‌آموز و والدین آن‌ها برای حضور در جلسات آموزشی از طریق تکمیل فرم رضایت آگاهانه از شرکت در مطالعه. ملاک‌های خروج از مطالعه نیز شامل ۱) نمره تعارض والد- فرزندی بالاتر از حد متوسط ۲) غیبت بیش از دو جلسه در جلسات آموزشی ۳) و اختلال بیش‌فعالی و اختلال افسردگی بود. پس از بیان اهداف مطالعه و کسب رضایت آگاهانه از دانش‌آموزان و والدینشان، اعضای گروه آزمایش در هشت جلسه نود دقیقه‌ای به‌صورت هفتگی تحت آموزش نظریه انتخاب قرار گرفتند درحالی‌که گروه گواه در معرض هیچ مداخله‌ای قرار نگرفتند (محتوای جلسات آموزش نظریه انتخاب به واسطه محقق و از طریق کتاب صاحبی و سلطانی فر (۱۳۹۴) آموزش داده شد) پس از آن از همه آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل (افرادی که هیچ‌گونه آموزشی را دریافت نکرده بودند) پس‌آزمون به عمل آمد. شرح جلسات آموزش نظریه انتخاب در جدول شماره ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱: محتوای جلسات آموزش نظریه انتخاب

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

متغیر	محتوای جلسات
جلسه اول	آشنایی اعضا گروه با همدیگر، تشریح قوانین گروه، تأکید بر مشارکت فعالانه اعضاء، شناخت اعضاء از خود
جلسه دوم	آموزش مفاهیم نظریه انتخاب، تأکید بر کنترل درونی
جلسه سوم	قرار دادن پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسر در اختیار اعضاء، معرفی نیازهای اساسی، بررسی نظرات اعضاء
جلسه چهارم	آشنایی اعضاء با دنیای کیفی و واقعی
جلسه پنجم	بیان اصول ده‌گانه نظریه انتخاب، آگاهی دادن به اعضاء برای پذیرش مسئولیت در قبال رفتارهای انجام‌شده
جلسه ششم	معرفی رفتارهای سازنده بر انتخاب موقعیت‌های بهتر و دستیابی به کنترل‌درونی به جای عادات تخریب‌گر
جلسه هفتم	آموزش چگونگی رسیدن اعضاء به خواسته‌هایشان
جلسه هشتم	جمع‌بندی و خلاصه جلسات

به‌منظور ارزیابی تعارض والد- فرزندی از پرسشنامه تعارضات والد- فرزندی موری اشتراوس (۱۹۷۹) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که سه تاکتیک حل تعارض یعنی: مهارت استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی بین اعضای خانواده را می‌سنجد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود و دارای پنج درجه از خیلی کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) است. پنج سؤال اول پرسشنامه که استدلال را می‌سنجد به‌طور معکوس نمره-گذاری می‌شوند. نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهندهٔ تعارض و استفاده کمتر از راهبردهای استدلال است سؤالات مقیاس‌های پرخاشگری کلامی و فیزیکی به‌صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالا در این مقیاس نشان دهند تعارض و استفاده بیشتر از راهبردهای پرخاشگری کلامی و فیزیکی است. دامنه نمرات هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۵ تا ۲۵ است. نمره ۵ نشان‌دهنده عدم‌تعارض در رابطه و نمره ۲۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض است. دامنه نمرات برای کل آزمون بین ۱۵ تا ۷۵ است. نمره ۱۵ (نمره پایین) نشان‌دهنده عدم-تعارض، نمره ۴۵ (نمره متوسط) و نمره ۷۵ نشان‌دهنده وخیم بودن رابطه (متوسط بالا) است. پایایی این پرسشنامه در این پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه و گزارش شد. از میانگین و انحراف معیار برای گزارش تفاوت نمرات پیش و پس‌آزمون استفاده شد. به‌منظور بررسی تجزیه‌وتحلیل داده‌های این مطالعه از تحلیل مانوا (MANOVA) استفاده و داده‌ها با نرم-افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شدند.

یافته‌ها

در جدول ۲، وضعیت ابعاد تعارض والد- فرزندی در مشارکت‌کنندگان پژوهش قبل و بعد از آموزش آماده است. میانگین و انحراف معیار بعد استدلال نشان داد که مقدار آن بعد از اجرای آموزش نسبت به قبل از آن بیشتر شده است؛ اما مقادیر همین شاخص‌ها در مورد ابعاد پرخاشگری و خشونت نشان داد که نسبت به قبل از آموزش کاهش‌یافته است.

جدول ۲: وضعیت تعارض والد- فرزندی و رفتارهای وابسته به آن قبل و بعد از آموزش

گروه	حالت	متغیر	میانگین (انحراف استاندارد)

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

آزمایش	پیش‌آزمون	استدلال	۱۴/۳۰±۶/۷۲
		پرخاشگری	۸/۹۰±۵/۹۸
		خشونت	۴/۵۰±۷/۳۸
	پس‌آزمون	استدلال	۱۶/۵۵±۴/۹۹
		پرخاشگری	۶/۱۵±۴/۴۲
		خشونت	۴/۷۰±۱۳/۴۷
کنترل	پیش‌آزمون	استدلال	۱۲/۱۰±۴/۸۱
		پرخاشگری	۱۰/۱۵±۵/۸۸
		خشونت	۴/۹۵±۵/۹۶
	پس‌آزمون	استدلال	۱۲/۰۵±۵/۲۷
		پرخاشگری	۱۰/۰۵±۵/۶۸
		خشونت	۵/۰۵±۶/۴۳

همچنین نتایج نشان داد توزیع داده‌های نمونه‌ای تا حدود زیادی از توزیع نرمال پیروی می‌کند. چون مقدار سطح معناداری خاص شده در تمامی موارد نزدیک به توزیع نرمال بود و تفاوت معناداری با صفر وجود داشت. با توجه به مقادیر جدول ۳، همگنی واریانس بین متغیرهای وابسته بررسی‌شده در این مطالعه برقرار است.

جدول ۳: همگنی واریانس بین متغیرهای وابسته

حالت	متغیر	مقدار F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
پس آزمون	استدلال	۱/۲۵۱	۱	۳۷	۰/۲۷۱
	پرخاشگری	۰/۷۳۹	۱	۳۷	۰/۳۹۶
	خشونت	۰/۱۷۰	۱	۳۷	۰/۶۸۲

با استناد به نتایج جدول ۴ و اثرپیلایی که توان آزمون بالاتری نسبت به سایر آزمون‌های هم‌تراز خود دارد (نسبت به آن‌ها در مقابل نقش نرمالیتی همگنی واریانس- کواریانس و توزیع داده‌های نمونه‌ای مقاوم‌تر است و همین ویژگی‌ها علت انتخاب آن به نسبت سایر آزمون‌ها شد) آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب درمجموع اثربخش بر ابعاد تعارض والد- فرزندی است. میزان ضریب مجذورات جزئی نیز نشان داد که ۲۸/۶٪ از واریانس مجموع رفتارهای وابسته به تعارض والد فرزندی توسط نظریه انتخاب تبیین می‌شود.

جدول ۴: آزمون اثربخشی نظریه انتخاب بر ابعاد تعارض والد- فرزندی در مجموع

اثر	شاخص	ارزش	مقدار F	معناداری	ضریب مجذورات جزئی
گروه	اثر پیلایی	۰/۲۸۶	۴/۶۷۵	۰/۰۰۸	۰/۲۸۶

علاوه براین مشخص شد که آموزش نظریه انتخاب به طور معناداری بر افزایش استدلال و کاهش پرخاشگری اثربخش است ($P<۰/۰۵$)؛ اما اثر معناداری بر کاهش خشونت ندارد ($P>۰/۰۵$).

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

جدول ۵: آزمون اثربخشی نظریه انتخاب بر ابعاد تعارض والد- فرزندی به تفکیک

منبع	متغیر وابسته	مقدار F	معناداری	ضریب مجذورات جزئی
گروه	استدلال	۷/۴۷۲	۰/۰۱۰	۰/۱۶۸
	پرخاشگری	۵/۷۵۹	۰/۰۲۲	۰/۱۳۵
	خشونت	۰/۰۱۱	۰/۹۱۸	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب بر کاهش تعارضات والد- فرزندی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه انجام شد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب بر کاهش تعارض مادر- فرزندی مؤثر است. یافته‌های این مطالعه با یافته‌های مطالعه آقایوسفی و همکاران (۱۳۹۵) که گزارش کردند رویکرد واقعیت درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب به‌گونه‌ای کارآمد تعارض را کاهش می‌دهد همخوان است. با این تفاوت که در مطالعه نام‌برده تعارض موردبررسی از نوع زناشویی بود. همچنین نتایج پژوهش ولی زاده و همکاران (۲۰۱۵) که نشان داد نمرات پس‌آزمون تعارض والد – فرزندی (پدر و پسر) در گروه تجربی و در مقایسه با گروه شاهد کاهش‌یافته است با یافته‌های این مطالعه همخوانی داشت. با این تفاوت که مطالعه مذکور تعارض پدر- پسر و پژوهش حاضر تعارض مادر- فرزند را بررسی کرد. پیامد همخوانی این دو مطالعه که به لحاظ جامعه آماری باهم متفاوت بودند اما یک نتیجه را گزارش کردند این است که نظریه انتخاب در تبیین تعارض والد- فرزندی تحت تأثیر جنسیت والدین یا فرزندان قرار ندارد. به علت اینکه مکانیسم اثرگذاری نظریه انتخاب برای افراد برحسب جنسیت مشابه است. علاوه بر این، یافته‌های مطالعه دوبا و همکاران (۲۰۰۹) که طراحی را برای حل تعارض‌های خانواده از طریق نظریه انتخاب ارائه دادند و یافته‌های مطالعه ووبولدینگ و ووبولدینگ (۲۰۱۷) که به بررسی نظریه انتخاب و واقعیت درمانی پرداختند و گزارش کردند نظریه انتخاب منجر به کاهش تعارض می‌شود همخوان است. البته با این تفاوت که در مطالعه حاضر تعارض از نوع والد- فرزندی مطرح بود اما در مطالعات نام‌برده تعارض از نوع خانواده بود.

علت اینکه نظریه انتخاب در مجموع سبب کاهش تعارض والد- فرزندی می‌شود این است که نظریه انتخاب بر رابطهٔ کنونی تأکید می‌کند. در این رابطه پرهیز از پرداختن به گذشته و افراط نکردن در طرح شکایت‌ها و توجه کردن به کارهایی که مراجع می‌تواند انجام دهند، نه تنها مدت کاهش تعارض را کوتاه می‌کند بلکه به مراجعات نشان می‌دهد که می‌توانند زندگی خود را بدون تعارض اداره کنند. در تئوری انتخاب عمدتاً تأکید بر زمان حال و انتخاب است. گذشته فقط زمانی اهمیت دارد که با اعمال زمان حال ارتباط داشته باشد. آنچه در گذشته بر ما رفته است بر شرایط کنونی ما اثری شگرف و غیر قابل انکار دارد اما ما می‌توانیم نیازهای بنیادین خود را به طور مناسبی ارضاء کرده و برای ارضای آن‌ها در آینده طرح و برنامه‌ریزی انجام دهیم. بدیهی است که درمان‌جویان در زمان حال می‌توانند تغییر کردن را انتخاب کنند.

همچنین آموزش دادن نظریه انتخاب به درمان‌جویان بخشی از واقعیت درمانی است. واقعیت درمانگران پیدایش نابسامانی‌های روانی را نتیجه‌ی عدم توانایی فرد در تحقق پنج نیاز اساسی‌اش می‌دانند. مادامی‌که احساس بد می‌کنیم، یک یا چند تا از نیاز ارضاء اساسی زندگی برطرف نشده‌اند. به اعتقاد گلاسر نیاز به محبت کردن و تعلق، نیاز نخستین و ارضاء کردن آن از همه دشوارتر است. انسان‌ها مهم‌ترین عنصر دنیای کیفی ما هستند که بیش از همه دوست داریم با آن‌ها ارتباط داشته باشیم، با آن‌ها صمیمی هستیم و از بودن با آن‌ها خیلی لذت می‌بریم. شاید یکی از دلایل اینکه استدلال نزد افرادی که آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب را دریافت کرده بودند افزایش یافته بود به همین خاطر باشد.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

چرا که نتایج نشان داد آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل استدلال بیشتری دارند. به همین خاطر گلاسر برای درمان چنین وضعیتی مدیریت روابط خود فرد را پیشنهاد کرده است. او معتقد است در بلندمدت، تنها چیزی که واقعاً به عنوان «مشکل» در زندگی انسان‌ها وجود دارد، مشکل «رابطه» است و تنها انسان‌ها از طریق مدیریت آن می‌تواند آن را برطرف نمایند.

References

Aghayosfi, A., Fathi Ashtiani, A., Aliakbari, M., & Imanifar, H. R. (2017). The effectiveness of the therapeutic approach based on the theory of choice of social and social conflict. Woman and Society, 7(2), 1-19. [In Persian]

Ali, N. M. (2010). Enhancing transformative mediation to address family conflict. New Mexico State University. [In Persian]

Barghandan, S., Tarkhan, M., & Ghaemi Khomami, N. (2013). Rasht city students to determine efficacy of anger management education. The Quarterly Clinical Studies Quarterly, 2(8), 140-165. [In Persian]

Bradley, E. L. (2014). Choice theory and reality therapy: An overview. International Journal of Choice Theory and Reality Therapy, 34(1), 6.

Corey, G. (2015). Theory and practice of counseling and psychotherapy. Nelson Education.

Donnellan, M. B., Conger, R. D., & Burzette, R. G. (2007). Personality development from late adolescence to young adulthood: Differential stability, normative maturity, and evidence for the maturity-stability hypothesis. Journal of personality, 75(2), 237-264.

Duba, D., Jill, D., Graham, M. A., Britzman, M., & Minatrea, N. (2009). Introducing the "Basic Needs Genogram" in Reality Therapy-based marriage and family counseling. International Journal of Reality Therapy, 28(2), 15.

Etmadi, A., Gitipasand, Z., Moradi. (2014). The effectiveness of group therapy solutions to the reduction of mother - daughter conflict in mothers. Family counseling and psychotherapy, 3(4), 565-590. [In Persian].

Ghamari, M. (2015). Relationship dimensions of family performance with parental - child conflict among students. Cultural Quarterly - Women and Family Quarterly, 8(26), 1-18. [In Persian]

Glasser, W (2010). "Choice theory: A new psychology of personal freedom", Harper Collins.

Grour, M. W., Thomas, S. P., & Shoffner, D. (1992). Adolescent stress and coping: A longitudinal study. Research in Nursing & Health, 15(3), 209-217.

Hosseini, M. S., Esmaeili, A., Sahebi, A., Paliziyan, A., Honarman, M. M., Arshadi, N., & Padam, R. (2017). Parent Training Based on the Choice Theory: Analysis of its Impact on Mothers' Sense of Self-efficacy and their Conflicts with their Daughters. Razavijournal, 2(5), 123-138. [In Persian].

Kıralp, Y., Dincyürek, S., & Beidoğlu, M. (2009). Determining the conflict resolution strategies of university students. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 1(1), 1205-1214.

Litwack, L. (2007). Research Review-Dissertations on Reality Therapy and Choice Theory-1970-2007. International Journal of Reality Therapy, 27(1), 14.

Mason, D., Palmer, C., Duba, D., & Jill, D. (2009). Using reality therapy in

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]

[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]

schools: Its potential impact on the effectiveness of the ASCA national model. International journal of reality therapy, 29(2), 5.

Minochin, S. (1974). Family and family therapy. Sanaei, B. translation. Tehran: Amirkabir Publishing.

Naderi H, Baezzat F, Motaghedifard M. (2015). "Effectiveness of quality education based on Glasser's choice theory on the student's academic self-efficacy". Eur J Psychol Educ Studies, 21(2), 7-43. [In Persian]

Ociskova, M., Prasko, J., Sigmundova, Z., Grambal, A., Kamaradova, D., Latalova, K., & Vrbova, K. (2015). Relationship Between Internalized Stigma and Treatment Efficacy in Mixed Neurotic Spectrum and Depressive Disorders. European Psychiatry, 30, 1634.

Sahabi, A., & Soltanifar, A. (2016). Step-by-Step Process of Reality Therapy Invitation to Responsibility. Tehran: Bright Shadow Publishing. [In Persian]

Samadi, A. (2010). Family conflict. Tehran: Naei Publishing. [In Persian]

Shillingford, A., & Edwards, O. (2008). Professional school counselors using choice theory to meet the needs of children of prisoners. Professional school counseling, 12(1), 62-65.

Stallman, H. M. and A. Ralph (2007). "Reducing risk factors for adolescent behavioural and emotional problems: A pilot randomized controlled trial of a self-administered parenting intervention. Australian e-Journal for the Advancement of Mental Health 6(2): 125-137.

Wubbolding, R. E., & Wubbolding, S. T. (2017). Choice Theory and Reality Therapy in Korea, the Land of the Morning Calm. International Journal of Choice Theory and Reality Therapy, 36(2), 144.

Zarb, J. (2014). Cognitive-behavioural assessment and therapy with adolescents. Routledge. [In Persian]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.4.9]

[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.43]